

## بررسی تطبیقی رابطه حزب با توسعه اقتصادی مورد مطالعه برنامه‌های توسعه دوران پهلوی با جمهوری اسلامی در ایران

سوسن خالقی کارسالاری

دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی،

آزادشهر، ایران

عیسی حسن زاده<sup>۱</sup>

استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

محمد رضا نعیمی

استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

عباسعلی طالبی

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد سوادکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، سوادکوه، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

### چکیده

توسعه از مفاهیمی است که به صورت جدی از برنامه‌های عمرانی دوران پهلوی شروع شد و با تاسیس نظام جمهوری اسلامی نیز ادامه یافت اما در دوران جنگ هشت ساله برای مدتی متوقف ماند. توسعه از مفاهیم جدی حوزه سیاست و اقتصاد است که ضمن استقلال علمی هر یک به صورت متداخل نیز عمل می‌کند. این مقاله با هدف بررسی تطبیقی رابطه حزب با توسعه اقتصادی به صورت مطالعه موردی برنامه‌های توسعه دوران پهلوی با جمهوری اسلامی در ایران انجام می‌شود تا به این سوال پاسخ دهد که آیا حزب به عنوان یک مفهوم در حوزه توسعه سیاسی با توسعه اقتصادی در دوره پهلوی و دوران جمهوری اسلامی رابطه داشته است؟ تحقیق از نوع کیفی و توصیفی است که به لحاظ روش شناختی به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که در دوران پهلوی؛ حزب بیش از هر چیز در توسعه سیاسی جای دارد نه در توسعه اقتصادی؛ حزب در درون حاکمیت به لیبرالیسم گرایش داشتند، اما به نفع نظام تک حزبی حذف و ادغام شدند. حزب خارج از حاکمیت بیشتر به سوسیالیسم گرایش داشت. توسعه اقتصادی متأثر از جایگاه مشورتی شاه بود. برنامه ریزی عمرانی و اقتصادی نیز در چارچوب انقلاب سفید و منشور نوزده ماده‌ای آن و برنامه‌های عمرانی اجرا شد که توسط سازمان برنامه و بودجه تدوین گردید و احزاب در نظام برنامه ریزی دخالت نداشتند. در دوران انقلاب اسلامی نیز برنامه‌های توسعه کشور در قالب برنامه‌های پنج ساله تدوین شد که سازمان برنامه و بودجه کارگزار اصلی تهیه و تدوین برنامه بود. حزب جمهوری اسلامی فراگیرترین حزب بود اما به علت اختلافات ناشی از نگرش و گرایش سیاسی، تاثیرگذاری در نظام اقتصادی نداشت، جامعه روحانیت مبارز تهران نیز دچار اختلاف و انشقاق شد. احزاب کارگزاران سازندگی و گروه‌های ۱۸ گانه اصلاحات بیشترین تاثیرگذاری را در برنامه‌های توسعه اقتصادی ایران داشتند و به میزانی که از سهم مشارکت احزاب کم شده برنامه‌های توسعه نیز ناکارآمد شدند.

**کلمات کلیدی:** توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، کارگزار، حزب

#### مقدمه:

در کشورهای جهان سوم مخصوصاً ایران احزاب به اندازه کافی رشد و توسعه نیافته‌اند، البته در این رابطه جهت‌گیری نظام‌های حاکم موثر بوده‌اند، نگاهی گذار به احزاب دوره پهلوی و نظام جمهوری اسلامی نشان می‌دهد، حزب به عنوان یکی از نمودهای توسعه سیاسی از جایگاه محکمی در نظام سیاسی و هدفمند در نظام اجتماعی برخوردار نبوده و برای چنین برداشتی می‌توان به سیر تاریخی شکل‌گیری احزاب دوران پهلوی و گرایش آنها به احزاب دولتی را اشاره کرد که هدفمند نبودند. البته در نظام جمهوری اسلامی نیز احزاب از ثبات سیاسی و مقبولیت اجتماعی به دور ماندند، این احزاب نیز فقط برای دستیابی به قدرت سیاسی مورد توجه بودند، نه این که با دستیابی به قدرت برنامه‌ای برای توسعه نظام اقتصادی جامعه داشته باشد. با این وجود رگه‌هایی از فعالیت احزاب در توسعه سیاسی و اقتصادی ایران دیده می‌شود. اهمیت و ضرورت انجام ارائه مقاله از نظر علمی به ارتباط ضروری بین نمادهای اصلی توسعه سیاسی و اقتصادی معطوف است که ضرورت دارد به رابطه علمی نظام سیاسی و نظام اقتصادی در نظام برنامه ریزی توجه شود. زیرا شناخت رابطه میان تحزب و توسعه اقتصادی در ادوار مختلف تاریخ ایران مخصوصاً دوران معاصر فوایدی بدین شرح دارد: اولاً منجر به شناخت ارکان دولت در ارتباط با توسعه اقتصادی و رابطه آن با توسعه سیاسی می‌شود. ثانیاً نقش و تاثیر توسعه سیاسی در توسعه اقتصادی بازشناسی می‌شود.

هدف تحقیق مقایسه رابطه تحزب و توسعه اقتصادی دوران پهلوی با دوران جمهوری اسلامی است. سؤال تحقیق: آیا احزاب دوران پهلوی و دوران انقلاب در توسعه اقتصادی ایران نقش داشتند؟ وجوه اختلاف و اشتراک آنها چه بود؟

در رابطه با نقش احزاب در توسعه اقتصادی نمی‌توان آثار تحقیقی قوی و موثری یافت، زیرا اساساً حوزه فعالیت احزاب سیاسی در بحث توسعه سیاسی جای می‌گیرد، در خصوص توسعه اقتصادی، احزاب بدون آگاهی اقتصادی و در اختیار داشتن مدارک و مستندات نمی‌توانند فعال باشند و این مستندات در اختیار دولت است. به همین دلیل اغلب سوابق مطالعاتی به توسعه سیاسی در ارتباط با احزاب اشاره دارند.

## 65.....بررسی تطبیقی رابطه حزب با توسعه اقتصادی

از منابع کلاسیک توسعه سیاسی و حزب، مشاهدات دو توکویل (۱۸۳۰) با عنوان تحلیل دموکراسی در آمریکا و مطالعات لیپست<sup>۱</sup> بر الگوی مشارکت سیاسی در مورد شرکت در انتخابات کشورهای مختلف است. وی به ویژگی جمعیتی مشارکت کنندگان در انتخابات توجه کرده، به طوری که مردان، تحصیل کرده‌ها، شهرنشینان، افراد میانسال، متأهلین، افراد دارای منزلت بالا و افرادی که عضو سازمان هستند، بیش از سایرین در انتخابات شرکت می‌کنند (لیپست، ۱۳۷۳: ۳۷۹-۴۱۸). البته این موضوع با شاخص درآمد، شغل، تحصیلات و مجموع شاخص‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی با شهرنشینی، عضویت سازمانی مؤثر در میزان مشارکت سیاسی افراد موثر است (بارکان، ۱۹۹۹: ۶۶).<sup>۲</sup> همچنین لایگلی نشان داد داشتن دوستان فعال در امور سیاسی موجب افزایش احتمال مشارکت خود افراد می‌شود (مک کلارگ، ۲۰۰۱).<sup>۳</sup> مایکل راش (۱۳۸۰) تایید می‌کند که مشارکت سیاسی در تمام سطوح، بر اساس پایگاه اقتصادی، اجتماعی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، منطقه و مکان سکونت، شخصیت، محیط سیاسی یا زمینه‌ای که مشارکت در آن اتفاق می‌افتد، متفاوت است (راش، ۱۳۸۰: ۱۳۳).

در مطالعات داخلی به ترتیب زمانی می‌توان از بخارایی‌زاده (۱۳۹۷) یاد کرد که نقش احزاب را در تدوین سیاست‌های عمومی، شکل دادن به افکار عمومی، افزایش آگاهی مردم، انتقاد از حکومت، رقابت سالم سیاسی و حاضر کردن مردم، در صحنه و بالا بردن درک‌مندی آنها، کم کردن خطر استبداد قوه مجریه، تقویت جامعه مدنی با بزرگ کردن نهادهای ما بین مردم و حکومت، نزدیک کردن افکار عمومی به همدیگر، تسهیل حکومت پارلمانی و تضمین دموکراسی از مهمترین کارکردهای احزاب در کشورهای توسعه یافته است. همچنین غفاری (۱۳۹۶) احزاب سیاسی را ملازم با مردم‌سالاری و حلقه مفقوده و واسطه بین مردم و کارگزاران و تصمیم‌گیران سیاسی دانسته، ظهیری، (۱۳۹۵) نیز به پدیده اختلاف در عرصه اندیشه و حکومت پرداخته و آن را واقعیتی در هر نظام فکری و سیاسی دانسته است. میرخلیلی (۱۳۹۳) نقش احزاب جهت تاثیرگذاری بر روند قانونگذاری دانسته و این مهم از طریق مشارکت حاصل می‌شود. به صورت مشخص

<sup>۱</sup> . Lipst

<sup>۲</sup> . • Barkan, S. E (1999),

<sup>۳</sup> . Mc Clurg, S. D (2001)

التجایی (۱۳۹۵) به تحلیل اقدامات نهادی- اقتصادی دولت طی چهار دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ پرداخته و میان طیف گسترده دیدگاه‌های موجود در خصوص نقش دولت در اقتصاد، یک دیدگاه میانه که مهمترین اولویت دولت در اقتصاد را ایجاد زیربنای نهادی معرفی می‌کند، دانسته است. تمی (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیده که در ایران، کمتر شاهد ظهور ساخت‌هایی متشکل، نقش‌مند، نهادینه و تأثیرگذار هستیم. احزاب سیاسی در ایران بیش از آنکه بر گرفته از شکاف‌ها و تنوعات اجتماعی در جامعه باشد، بیشتر برآمده از شخصیت‌ها و نگاه دولتی، وابستگی به بیگانگان و جهت‌گیری جناح‌ها در مقابل هم بوده است. زیباکلام و مقتدایی (۱۳۹۳) تقاضای مشارکت سیاسی رو به افزایش است و بدیهی است که شاخصه اصلی توسعه سیاسی به مشارکت سیاسی دانسته‌اند.

در ادبیات فارسی حزب به معنی گروه و دسته است. (معین، ۱۳۷۷: ذیل واژه حزب)، حزب و معادل آن در سایر زبان‌ها نیز کاربرد دارد، اندیشمندان علم سیاست، حزب را بر اساس برداشت علمی و تجربی خود تعریف کرده‌اند. حزب در زبان عربی به معنای گروه و جماعتی است که با شور و حماسه از آرمان‌های مشترک خود دفاع کنند. در برخی تعاریف حزب را تجمع گروهی دانسته‌اند که بر اندیشه و هدف واحدی توافق دارند و با جدیت از آن دفاع می‌کنند» در بین تعاریف انجام شده گتل، اشاره به گروهی از شهروندان کم و بیش سازمان یافته دارد که به عنوان واحد سیاسی دارای ساختار و کارکرد است. همچنین «مک آیور» این مفهوم را برای گردهم‌آیی سازمان یافته در نظر گرفته که در جهت حمایت از برخی اصول یا سیاستهایی که از راههای قانونی می‌کوشند حکومت را بدست گیرند»، در نظر گرفته است (به نقل از عالم، ۱۳۸۲). این تعریف نیز به ساختار و کارکرد اشاره دارد، در تعریف «جیوانی ساتوری» نیز حزب با شاخص‌هایی چون: گروه سیاسی، عنوان رسمی، تلاش برای اشغال پستهای دولتی تعریف شده (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۲۲) که بیانگر ساختار و کارکرد حزبی است. تعریف لئون اپستین<sup>۱</sup> از حزب سیاسی با همان ویژگی‌های ساختاری حتی سازمانی ضعیف و کارکردش معلوم شده (جاسبی، ۱۳۸۹: ص ۴۹). تعاریفی که ادموند برک و «جیل کریست» کرده‌اند با اندکی تفاوت در بکار بردن واژگان مفاهیمی چون سازمان، کارکرد و وحدت رفتار اعضا را انتقال می‌دهد (عالم، ۱۳۷۳، ۳۴۳-۴)، حتی موريس دوورژه، نیز بر نقش و اهمیت سازمان و تشکیلات حزبی تأکید می‌کند، منافع و هدفهای نیروهای اجتماعی گوناگونی را مانند:

---

1. Epstein

## 67 ..... بررسی تطبیقی رابطه حزب با توسعه اقتصادی

طبقات، واحدهای محلی، دسته های نژادی، جماعتی دارای منافع ویژه بیان می کنند. وی هدف مستقیم احزاب را به چنگ آوردن قدرت یا اعمال قدرت دانسته است (دوورژه، همان: ۱۶۱). ساموئل هانتینگتون: حزب را در قالب توسعه سیاسی مورد ملاحظه قرار داده و معتقد است متضمن عقلانی شدن اقتدار، تنوع ساختارهای سیاسی و بخصوص گسترش مشارکت است (نقیب زاده، ۱۳۷۸: ۲۸). این تحقیق به لحاظ چارچوب نظری ترکیبی از مدل «تغییر از درون» نظریه هانتینگتون است و به لحاظ مدل تحلیل ساختاری کار گزار از نظریه آنتونی گیدنز است. مطالعات انجام شده حاکی از این است که در سیر تحولات تاریخی شکل گیری احزاب و رابطه احزاب با توسعه سیاسی، دو رویکرد مذکور از جایگاه نظری و عملی قوی برخوردار است. مدل تغییر از درون به طور عمده در دوران پهلوی تجربه شد و دانشجویان هانتینگتون در درون نظام سیاسی دوران پهلوی، این نظریه را اجرایی می کردند، بعد از انقلاب نیز رهبری واحد یعنی ولی فقیه بالاترین جایگاه را در نظام سیاسی دارد. بر اساس نظریه هانتینگتون و دانشمندی چون جوزف نای و جین شارپ تحقق دموکراسی در هر جامعه ای از آمال لیبرال دموکراسی محسوب می شود. بر اساس نظریه نهادمندی هانتینگتون «شاخصه های توسعه سیاسی عبارتند از: تطبیق پذیری، استقلال، پیچیدگی و انسجام و میزان کارآمدی احزاب بر پایه پشتیبانی مردمی، سطح نهادمندی و پیچیدگی و عمق سازمانی و میزان تعلق نخبگان و فعالان سیاسی به حزب مشخص می شود. تا زمانی که توسعه سیاسی به معنای واقعی محقق نشود، احزاب نمی توانند به شکل کارآمدی فعالیت کنند.

به لحاظ تاریخی و جغرافیایی حزب و کارکردهای حزبی منتسب به غرب است و برخی سابقه حزب را به عهد باستان می رسانند. در دوره نوین آمریکا تنها کشوری است که به معنای واقعی از حزب برخوردار بود، به قول موریس دو ورژه «در ۱۸۵۰ هیچ کشوری در عالم به غیر از ایالات متحده آمریکا دارای حزب سیاسی نبود. بعضی از کشورها، کانون هایی برای تبادل نظر و اجتماع برای بیان اندیشه ها وجود داشت، اما هیچ کدام به معنی خاص حزب نبود. (دوورژه، ۱۳۵۴: ۱۳۸). در ایران آشنایی با حزب و فعالیت های حزبی تقریباً از سال ۱۹۰۰ آغاز شد. در دهه اول قرن بیستم، که انقلاب مشروطیت در ایران به نتیجه رسید آرام آرام گروه های همفکر به وجود آمدند و از عنوان حزب استفاده کردند (مدنی، ۱۳۸۹: ۶). امروزه زندگی سیاسی در جوامع غربی در وجود احزاب خلاصه شده و هر کشوری، ناگزیر است احزاب را بپذیرد (نقیب زاده، ۱۳۶۸: ۱۱). «دیوید اپتر» پا را فراتر

گذاشته و اظهار داشته: که احزاب سیاسی در جریان نوسازی همه جوامع معاصر نیروی مهم و تعیین کننده را تشکیل می‌دهند. (ابتر، ۱۹۶۵: ۱۷۵). سیر تاریخی فعالیت احزاب در ایران نشان می‌دهد، عمر احزاب به سه دوره تاریخی تقسیم می‌شود که عبارتند از: تشکیل احزاب و فعالیت‌های آنها در دوران مشروطیت، شکل‌گیری احزاب در دوران پهلوی اول و دوم، شکل‌گیری احزاب در دوران انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، اما تاریخ شروع فعالیت حزبی در ایران، به دوران مشروطیت می‌رسد. اولین انجمن در سال ۱۲۷۰ (ه.ق) به وسیله میرزا ملکم‌خان تأسیس شد (لمپتون، ۱۳۷۷: ۳۹۳) و ۶۰ سال بعد دو حزب انقلابی و اعتدالی شکل گرفت (بهار، ۱۳۶۳: ج ۲، ۱۱). نخستین احزاب ایران، اعم از احزاب ملی و احزاب چپ نیز در انجمن‌های مشروطه‌خواه ریشه گرفت (مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۸). در دوره قاجار احزاب بیشتر مخفی بودند و فعالیت ترور و حذف رقیب انجام می‌دادند. در دوران پهلوی دو نوع حزب سیاسی غیردولتی و دولتی وجود داشت. برخی از احزاب اولیه غیردولتی دوران پهلوی ریشه مارکسیستی داشتند، مانند: احزاب توده، پیکار، جنگل، جمعیت‌رهایی کار و اندیشه، ایران بیدار و همراهان سوسیالیست هستند (آبراهیمیان، ۱۳۸۷: ۳۴۶) مخصوصاً حزب توده تا کودتای ۲۸ مرداد حضور پر قدرتی در صحنه سیاسی ایران داشت (زهیری، ۱۳۷۹: ۱۳۹).

احزاب دولتی بین سال‌های ۱۳۲۰ تا کودتای ۱۳۳۲ شامل حزب دموکرات ایران، حزب آریا و حزب وطن و اراده ملی بودند. حزب دموکرات ایران در خرداد ۱۳۲۵ به وسیله قوام السلطنه نخست وزیر وقت و با شرکت رجال و اشراف تشکیل شد (کیانوری، ۱۳۷۲: ۱۳۵، لالوی، ۱۳۸۱: ۳۷) حزب دولتی ایران نوین با عمر و گستردگی بیشتر تا تأسیس نظام تک حزبی همچنان فعال بود. اعضای مرکزی حزب را سران حزب ترقی مانند: حسنعلی منصور و هویدا، جمشید آموزگار تشکیل می‌دادند. دبیرکل حسنعلی منصور بود که با ترورش، هویدا نخست وزیر و دبیرکل شد (صارمی شهاب، ۱۳۷۸: ۱۳۶-۱۳۵). این حزب در سال ۱۳۵۳ در حزب رستاخیز ادغام شد و تفکر ایجاد نظام تک حزبی با هدف پیشگیری از بی‌تفاوتی سیاسی و ایجاد علاقمندی به امور سیاسی در مردم، توسط ایرانیان تحصیل کرده در اروپا مخصوصاً طرفداران ساموئل هانتینگتون استاد علوم

۱. این تاریخ مصادف با سال ۱۲۸۵ شمسی است که ۳۵ سال قبل از شروع سلطنت محمدرضا پهلوی است و حتی ۱۹ سال با روی کار آمدن رضا شاه فاصله دارد.

## 69.....بررسی تطبیقی رابطه حزب با توسعه اقتصادی

سیاسی دانشگاه هاروارد مطرح شد. حزب رستاخیز به دستور شاه در روزهای پایانی سال ۱۳۵۳ شمسی تشکیل شد و رهبری کل فعالیت‌های سیاسی را به عهده گرفت و کلیه احزاب در آن ادغام شدند (نوذری، ۱۳۸۰: ۲۰۸). شرکت در این حزب به دستور شاه اجباری بود (همان: ۲۱۰).

احزاب سیاسی ایران پس از انقلاب را در سه دوره معرفی کرد:

- دوره اول شامل گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی فعال پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا

انحلال حزب جمهوری اسلامی

- دوره دوم؛ (از انحلال حزب جمهوری اسلامی تا دوم خرداد ۱۳۷۶)

- دوره سوم؛ (بعد از خرداد ۱۳۷۶)

گروه‌های سیاسی فعال دوره اول، منحصر به حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت مبارز تهران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و نهضت آزادی بودند. سه گروه نخست همسو و متحد بودند ولی با اتفاقاتی که بعدها افتاد، اختلاف در آنها ظهور کرد؛ به تدریج این اختلاف در «حزب جمهوری اسلامی» نیز تداوم پیدا کرد. یکی از بحث‌هایی که به نوعی سرآغاز اصلی مناقشات جناحی گردید، مسئله اصلاحات ارضی، بند موسوم به بند «ج» و قانون کار بود که در سال ۱۳۶۰ نمود یافت (دارابی، ۱۳۸۸: ۱۸۱).

در دوره دوم؛ دو تشکل سیاسی «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» و «حزب جمهوری اسلامی» در سال‌های ۶۵ و ۶۶ منحل شدند. جامعه روحانیت تنها گروه سیاسی فعال کشور بود و اختلاف نظرهایی میان اعضا وجود داشت که در نهایت تشکل جدیدی به نام «مجمع روحانیون مبارز تهران» با اطلاع و موافقت امام (ره) در سال ۱۳۶۷ تاسیس شد. همچنین حزب کارگزاران سازندگی از جامعه روحانیت مبارز منشعب شد؛ تا حدودی نیز جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی نیز از گروه‌های سیاسی فعال این دوره به شمار آمد. همچنین فعالیت‌های سیاسی تشکل‌های همسو که از روحانیت مبارز تبعیت می‌کردند، رونق داشت. دوره سوم به بعد از خرداد ۱۳۷۶ مربوط است. در این دوره گروه‌ها شفاف‌تر شدند و مواضع آنها آشکارتر شد. ملاک تقسیم‌بندی گروه‌های سیاسی به دمکراسی اسلامی و حکومت اسلامی متمایز شد.

**روش تحقیق:** به لحاظ روش‌شناسی، مقاله از نوع کیفی و تحلیلی است و روش انجام کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات فیش برداری است.

## یافته‌ها

### الف) دوران پهلوی

قبل از هر تحلیلی باید اذعان داشت که در دوران پهلوی توسعه سیاسی و اقتصادی متأثر از نظر شاه بوده، احزاب از بدو تاسیس کنترل می‌شدند تا در این راستا موجودیت یابند، تا این که در سال ۱۳۵۳ نظام تک‌حزبی ایجاد شد. در حوزه اقتصادی و برنامه‌ریزی نیز در سال ۱۳۲۷ قانون سازمانی مستقل برای برنامه‌های عمرانی کشور تصویب شد که سازمان برنامه نام داشت. کارکرد سازمان تهیه برنامه بود و این سازمان موفق به ارائه پنج برنامه عمرانی از سال ۱۳۲۸ برای پیشرفت و عمران کشور ایران شد (بستوک و جونز، ۱۹۸۹: ۹۹). در اینجا پیش از هر اقدامی، در جدول (۱) برنامه‌های عمرانی دوران پهلوی و دوران جمهوری اسلامی ارائه می‌گردد تا با اهداف برنامه و مدت آن آشنایی بیشتری ایجاد شود.

جدول تطبیقی (۱) برنامه‌های اجرا شده دوران پهلوی و نظام جمهوری اسلامی

برنامه‌ها	قبل از انقلاب	برنامه‌های دوران جمهوری اسلامی تماماً ۵ ساله بود
برنامه اول	۷ ساله عمرانی بود، ناموفق	۵ سال مسکوت ماند. با اصلاحاتی در زمان رفسنجانی اجرا شد
برنامه دوم	۷ ساله عمرانی بود، رشد اقتصادی موفق در نفت و عمران استان خوزستان، کشاورزی و معدن	با نام سیاست تعدیل اقتصادی با محوریت عدالت، صادرات و بهره‌وری، موجب رشد اقتصادی شد
برنامه سوم	۵ ساله حمایت‌کننده اصلاحات ارضی و فراتر از برنامه در ساختارهای اقتصادی	با رویکرد رقابت اقتصادی و نسبت به برنامه‌های دیگر موفق‌تر بود
برنامه چهارم	۵ ساله و موفق‌ترین برنامه‌ی توسعه‌ی کشور نرخ رشد در بخشهای مهم اقتصادی هماهنگ بود	رویکرد جهانی داشت و به موضوعات آمایش سرزمین و محیط زیست پرداخت و رشد اقتصادی از پیش‌بینی کمتر بود
برنامه پنجم	۵ ساله درآمد ناخالص ملی ۱۳ برابر و درآمد سرانه ۸ برابر اما نوسان قیمت جهانی نفت باعث شد برنامه کاملاً به اهدافش نرسد	در مقایسه با برنامه چهارم از موفقیت بیشتری برخوردار بوده اما از سایر برنامه‌ها موفق‌تر نبود و در حد میانگین به اهدافش رسید



## 71.....بررسی تطبیقی رابطه حزب با توسعه اقتصادی

در باره رابطه احزاب سیاسی با توسعه اقتصادی دوران پهلوی باید گفت که احزاب در توسعه اقتصادی برنامه اول عمرانی (سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۳) نقش فعال نداشتند. زیرا سه سال از اجرای برنامه بود که حزب مردم تشکیل شد. طی برنامه عمرانی دوم (سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۰) دو حزب دولتی در تاریخ سیاسی ایران ظهور کرد که یکی حزب مردم بود که در سال ۱۳۳۶ توسط اسدالله علم تاسیس شد که به علت اقلیت بودن، موثر نبود. همچنین باید اذعان کرد که حزب ملیون که در سال ۱۳۳۷ با تشویق و حمایت شاه و رهبری منوچهر اقبال-نخست وزیر وقت در مقابل حزب مردم تاسیس شد نیز مانند حزب مردم از عناصر تشکیلاتی موثری برخوردار نبود که بتواند بر روند برنامه تاثیر مثبت و آشکار داشته باشد. با این وجود برنامه دوم که مشتمل بر گسترش و عمران استان خوزستان و تخصیص ۷٪ درآمد نفت برای عمران استان بود، محقق شد (عباسی‌نسب، ۱۳۹۲). این موضوع اثبات می‌کند که نظام برنامه ریزی همسو با نظام اقتصادی حاکم بوده است. ضمن آن که نظام حاکم علاوه بر عمران استان خوزستان سد دز در خوزستان را ساخت و سه برنامه کشاورزی، آبیاری و کان‌های معدنی ایران برای پیشبرد اقتصادی کشور در نظر گرفت (افخمی، ۲۰۰۹: ۲۱۷). در برنامه عمرانی سوم که برای سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ با بودجه ۲۰۷ میلیارد دلاری تدوین و اجرایی گردید (ایسای، ۱۹۸۵: ۱۲۹)، رد سیاسی و اقتصادی احزاب مشاهده نمی‌شود. به لحاظ جامعه‌شناسی سلسله مراتب قدرت سیاسی بدون مشارکت احزاب و گروه‌های سیاسی اقدام به مسئله‌شناسی و زمانبندی برنامه پنج ساله نموده و ساختار رسمی قدرت که در وزارتخانه‌ها نمود دارند در برنامه ریزی پروژه‌های اختصاصی مشارکت کردند. به همین علت برنامه‌ریزی به صورت متمرکز توسط سازمان برنامه نبود، بلکه مشارکت کارشناسان وزارتخانه‌ها را به همراه داشت، این موضوع اهمیت متمرکز بودن برنامه ریزی را نشان می‌دهد وقتی نظام حاکم در برنامه سوم عمرانی اولین بار اقدام به مشارکت کارشناسان وزارتخانه بر برنامه‌های اختصاصی همان وزارتخانه می‌کند، چطور می‌توان انتظار داشت احزاب سیاسی در نظام برنامه ریزی مشارکت داده شوند؟ اما باید اضافه کرد که بودجه دولت را سازمان برنامه و بودجه که مستقیم زیر نظر نخست‌وزیر بود تعیین کرد. هدف‌های برنامه، گسترش سیستم آموزش و پرورش، گسترش کشاورزی و صنعت و اصلاحات ارضی بود (افخمی،

۲۰۰۹:۲۱۸). در دوران برنامه سوم و کمی پیشتر حزب ایران نوین در سال ۱۳۴۲ تأسیس شد و تا سال ۱۳۵۳ به فعالیت خود ادامه داد و در همین سال در حزب رستاخیز ادغام شد. بنابر این پذیرش تاثیر حزب در نظام اقتصادی و توسعه اقتصادی کشور امری بعید است. زیرا با برکناری اعلم از نخست وزیری، حزبش نیز از بین رفت. به عبارت روشن تر حزب یک تشکل صوری بود. یکی از اتفاقات مهم دوران پهلوی، پدیده انقلاب سفید بود، که مصادف با برنامه سوم عمرانی به حساب می‌آید.

در رابطه با برنامه عمرانی چهارم عمرانی که طی سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ اجرا شد؛ باید گفت اثربخشی این برنامه در رشد اقتصادی سالانه ۱۵٪<sup>۱</sup> مشهود است که با رشد اقتصادی سنگاپور و کره جنوبی برابر بود (ایساوی، ۱۹۸۵: ۱۳۵). در فرآیند اجرایی این برنامه بود که حزب ترقی و حزب نوین در سال ۱۳۴۲ تأسیس شدند و بعد از آن در سال ۱۳۵۳ با حزب رستاخیز ادغام شدند، بنابر این نمی‌توان این دو حزب را موثر دانست. زیرا هر دو حزب در زمان اجرای برنامه تأسیس شدند نه قبل از آن، ضمن آن که زمینه پیوستن آنها به نظام تک حزبی فراهم می‌شد. تنها احتمالی که وجود دارد تا حزب ایران نوین را در نظام اقتصادی و توسعه اقتصادی موثر دانسته شود و با اندکی احتیاط می‌توان گفت که چون: «منصور در دوران نخست وزیری منوچهر اقبال، به معاونت وزارت بازرگانی و قائم مقامی دبیر کلی شورای عالی اقتصاد منصوب شد» (مقدم، ۱۳۹۰: ۴۷۳)، محتمل است در نظام برنامه ریزی شخصیت‌های این حزب مشارکت داشته باشند، آن هم از سوی حکومت نه از سوی حزب. با این وجود برنامه چهارم از موفق‌ترین برنامه‌ی عمرانی کشور بود. و با نرخ رشد بخش‌های مهم اقتصادی کشور نسبتاً هماهنگ عمل کرد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> . هفت دهه برنامه ریزی توسعه در ایران»، روزنامه‌ی اطلاعات، تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۹۲.

### 73.....بررسی تطبیقی رابطه حزب با توسعه اقتصادی

در برنامه پنجم عمرانی، اکثریت اعضای مجلس با حزب ایران نوین بود. برنامه عمرانی نیز توسط این حزب و سایر اعضای مجلس در سال ۱۳۵۳ مصوب شد و حزب ایران نوین به نظام تک حزبی پیوست. برنامه عمرانی پنجم بین سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ اجرا شد و اجرای این برنامه با نظام سیاسی حاکم بود و البته تک حزبی نیز در ساختار رسمی جای گرفته بود. در این برنامه رشد اقتصادی برنامه‌ریزی شده بیش از ۲۶٪ پیش‌بینی شده بود و درآمد ناخالص ملی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶ سیزده برابر شد و درآمد سرانه هشت برابر افزایش پیدا کرد (افخمی، ۲۰۰۹: ۳۲۸-۳۲۷). این برنامه علی‌رغم این که با رشد اقتصادی همراه بود اما از سوی کارشناسان ناموفق تلقی شد. زیرا دخالت‌های سیاسی و فرمایشی ناکارآمد و وقوع دگرگونی در اقتصاد جهانی از عوامل موثر ناکارآمدی برنامه بودند. اگر چه تغییر و اصلاحاتی در برنامه‌ها ایجاد شد اما در پایان، برنامه پنجم برنامه‌ای ناکام لقب گرفت (عباسی، ۱۳۹۷). یکی از اتفاقات دیگر این بود که در سال ۱۹۷۳ که مصادف با ۱۳۵۲ شمسی است پس از بروز جنگ یوم کیپور<sup>۱</sup> یا جنگ اعراب و اسرائیل، قیمت نفت افزایش یافت. این اتفاق موجب شد تا پهلوی دوم در آغاز سال ۱۳۵۳ تصمیم به بازنویسی برنامه عمرانی پنجم بگیرد، اجرای این برنامه منجر به بروز بیماری هلندی در اقتصاد ایران شد، ورود ثروت بادآورده نفتی به اقتصاد و افزایش فزاینده هزینه‌های حکومت، منجر به تورم شدید و کاهش تولیدات کارخانه‌ها گشت (بایندر، بی تا، ۹۶-۹۴). در این دوران احزابی که در لایه‌هایی از حکومت جای گرفتند و یا در خدمت دولت بودند، در برنامه ششم تحت لوای نظام تک حزبی همراه شدند و در سال ۱۳۵۳ حزب رستاخیز تشکیل شد. اعضای این حزب عمدتاً تحصیل کردگان آمریکا و از طرفداران ساموئل هانتینگتون بودند تا اصلاحاتی را انجام دهند اما به اندازه‌ای برای شاه و طرفداران تفکرات اصلاحی دیر شد که در فاصله نه چندان دور انقلاب اسلامی اتفاق افتاد.<sup>۲</sup> (ب) دوران جمهوری اسلامی اولین برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور توسط دولت میرحسین موسوی تهیه شد، اما با اصلاحاتی در دوره رئیس جمهوری رفسنجانی، اجرایی شد. نویسندگان برنامه اول سازمان برنامه و بودجه و با مسئولیت محمدتقی بانکی بودند (یوسفی، ۱۳۸۹). در زمان هاشمی رفسنجانی راهبرد برنامه اول به برنامه سازندگی مشهور و آزادسازی اقتصادی تعیین شد. هدف برنامه سرمایه‌گذاری دولتی برای

- 
۱. جنگ یوم کیپور یا جنگ اعراب و اسرائیل ۱۹۷۳ جنگی بود که از ششم تا بیست‌وپنجم اکتبر ۱۹۷۳ میان سوریه، مصر (با حمایت چند کشور عربی دیگر) با اسرائیل اتفاق افتاد. این جنگ با حمله غافلگیرانه مصر و سوریه علیه مواضع نیروهای اسرائیلی در شرق کانال سوئز و ارتفاعات جولان آغاز شد، مناطقی که شش سال قبل در جنگ شش‌روزه به تصرف قوای اسرائیل درآمده بود. حمله در آخرین ساعات یوم کیپور مقدس‌ترین روز در آئین یهودی آغاز شد. روزی که از غروب ۹ مهر ماه آغاز می‌شود و یهودیان در آن روزه‌دار هستند. از آن‌جا که این جنگ در ماه اکتبر و ماه رمضان رخ می‌داد به جنگ اکتبر و جنگ رمضان نیز معروف شده‌است.
۲. سازمان برنامه و بودجه ایران. تهران، ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)

## 75.....بررسی تطبیقی رابطه حزب با توسعه اقتصادی

خسارت‌های جنگ تحمیلی و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های موجود و رشد مناسب اقتصادی، ارتقای کمی و کیفی فرهنگ و آموزش بود.<sup>۱</sup> در نتیجه تورم افزایش یافت و برنامه به رشد اقتصادی ۵.۱ پیش بینی شده، دست نیافت. علی‌رغم این که نقش بخش خصوصی در اقتصاد ایران پررنگ شد، ولی در زمینه بیکاری موفق عمل نکرد. همچنین به علت نرخ سالانه ۲۵ درصدی افزایش نقدینگی، نرخ تورم به ۲ برابر نرخ پیش‌بینی شده رسید و به ۱۳.۲ درصد در برنامه افزایش یافت (سرویس سیاسی خانه ملت، ۱۳۹۶). به لحاظ رتبه بندی، برنامه اول توسعه به طور میانگین رتبه ۲/۵ را با عنایت به شاخص‌های توسعه دارد (شقایقی شهری، ۱۳۹۷: ۲۳۷-۲۰۹). برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸) نیز در دولت هاشمی رفسنجانی توسط سازمان برنامه و بودجه کشور تدوین شد و به سیاست‌های تعدیل اقتصادی معروف شد. در این دوران حزب کارگزاران سازندگی بیشترین حضور را در بدنه دولت داشت، اما به جرأت نمی‌توان گفت که برنامه دوم مربوط به حزب کارگزاران سازندگی بوده، زیرا برنامه در سازمان برنامه و بودجه تدوین شد. دومین برنامه نیز با مطالعات لیست (۱۳۷۳) و بارکان (۱۹۹۹) و همچنین تحقیقات لایگلی و مایکل راش که به موضوعاتی چون تحصیل کرده‌ها، شهرنشینان، افراد میانسال، متأهلین، افراد دارای منزلت بالا و افرادی که عضو سازمان، شاخص درآمد، شاغل در میزان مشارکت سیاسی افراد موثر است، انطباق دارد همچنین مطالعات شقایقی نشان داد این برنامه دارای رتبه به لحاظ میانگین ۳/۳۳ در بین برنامه‌ها دارد (شقایقی شهری، ۱۳۹۷: ۲۰۹-۲۳۷).

<sup>۱</sup> .. گام‌های پنج ساله توسعه ملی»، تارنمای نشریه پژوهشی تحلیلی اجتماع و توسعه، قابل دسترسی در آدرس

برنامه‌ی سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۴) جمهوری اسلامی با نگاه اجتماعی- اقتصادی در داخل و سیاست تنش زدایی در روابط بین‌الملل در پی اصلاح ساختاری اقتصاد و تقویت بخش خصوصی تدوین گردید. رقابت اقتصادی، تسهیل سرمایه‌گذاری، یکسان سازی نرخ ارز، حذف موانع غیرتعرفه‌یی، تاسیس بانک خصوصی، ایجاد حساب ذخیره ارزی، اصلاح نظام قیمت‌ها و نیز حرکت برای حذف یارانه‌ی انرژی از ویژگی‌های برنامه بود. نیروهای موثر در برنامه ریزی از احزاب اصلاح طلبان بودند. مشخص‌ترین نمایندگان آنها محمدعلی نجفی از سال ۱۳۷۶ الی ۱۳۷۹ و محمدرضا عارف (۱۳۷۹-۱۳۸۰) به ریاست سازمان انتخاب شدند. برنامه‌ی سوم توسعه به نسبت دیگر برنامه‌های کشور موفق‌تر عمل کرد و توانست به رشد اقتصادی مناسب بیش از ۶ درصدی در کنار افزایش ۱۰ درصدی سرمایه‌گذاری دست یابد. ضمن اینکه به لحاظ اقتصادی تورم سالانه به سطح ۱۴.۱ رسید که ۱.۸ کمتر از برآوردهای برنامه بود. البته این برنامه در تسریع روند خصوصی سازی، کاستن از یارانه‌های انرژی، کاهش مقررات زدایی و برچیدن انحصارها ناکام ماند<sup>۱</sup>. ساختار مجلس به لحاظ حزبی که پنجمین دوره آن را تجربه می‌کرد، با اکثریت جناح راست و اصولگرا همراه بود. ولی احزاب چپ، کارگزاران سازندگی، جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی و نمایندگان مستقل نیز حضور چشمگیری داشتند. در ششمین دوره مجلس شورای اسلامی که هفتم خرداد ۱۳۷۹ شروع به کار کرد، جبهه دوم خرداد اکثریت مطلق مجلس را به دست آورد. (سرویس سیاسی خانه ملت، ۱۳۹۶) در این دوران مشارکت سیاسی از نرخ بالایی برخوردار بود. مطالعات بخارایی‌زاده (۱۳۹۷) نیز مویید این است که احزاب نقش تدوین سیاست‌های عمومی، شکل دادن به افکار عمومی، افزایش آگاهی مردم و انتقاد از حکومت را در رقابتی سالم به نمایش گذاشتند و غفاری (۱۳۹۶) حضور احزاب سیاسی را تایید کرد و ظهیری، (۱۳۹۵) پدیده‌ی اختلاف در عرصه‌ی اندیشه و حکومت را به عنوان واقعیتی نمایان کرد. مطالعات میرخلیلی (۱۳۹۳) نیز نشان داد احزاب برای بدست آوردن کرسی پارلمانی و تاثیرگذاری بر روند قانونگذاری مشارکت زیادی داشتند و به لحاظ رتبه بندی بر حسب شاخص میانگین مطالعات شقاقی (۱۳۹۷) نشان داد که برنامه سوم توسعه رتبه ۱/۸۳ را دارد.

برنامه‌ی چهارم توسعه (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸) در چارچوب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و ابلاغ سیاست‌های کلی رهبر انقلاب در اواخر دوره دولت خاتمی تهیه شد و در دولت نهم - احمدی نژاد اجرایی شد. به لحاظ حزبی و گرایش سیاسی، دولت خاتمی از اعضای تاثیرگذار بودند و به لحاظ جامعه‌شناسی سازمانی، اعضای تاثیرگذار سازمان‌ها، عموماً تکنوکرات و از حزب کارگزاران سازندگی و گروه‌های اصلاح‌طلب بودند، اما برای اجرایی شدن در اختیار احزاب منسوب به اصول‌گرا قرار گرفت. احمدی نژاد نماینده جریان‌های اصول‌گرا بود. در اولین اقدام سازمان برنامه بودجه منحل شد. در پایان برنامه، رشد کشور از میزان ۷.۴ درصد پیش‌بینی شده، کمتر شد. آنها در کنترل بیکاری نیز ناموفق بودند و بیکاری از ۱۰.۱ درصد بالاتر رفت و به ۱۲.۷ رسید. نرخ تورم نیز بیشتر شد.<sup>۱</sup> در رابطه با برنامه چهارم مطالعات تمی (۱۳۹۲) نشان داد که احزاب اصلاح‌طلب و راست میانه رو به افول بودند و شقاقی (۱۳۹۷) نشان داد که برنامه چهارم توسعه میانگین رتبه: ۳/۸۳ را دارد.

برنامه پنجم توسعه که برای سال‌های (۱۳۹۰-۱۳۹۴) تدوین شد، در مجلس اصولگرایان مصوب شد (سرویس سیاسی خانه ملت، ۱۳۹۶) این برنامه به لحاظ جامعه‌شناسی سیاسی در اختیار گروه‌های سیاسی اصول‌گرا از نظر تدوین و تصویب برنامه قرار داشت. به طوری که ابراهیم عزیزی<sup>۲</sup> از سال ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۰ ریاست معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی انتخاب شد. وی جزو کمیته نویسندگان برنامه پنجم توسعه بود و تلاش کرد تا به احیای ساختار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در معاونت نظارت راهبردی پردازد اما موفق نشد. مطالعات شقاقی (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که برنامه پنجم توسعه میانگین رتبه: ۳/۵ را داشته است.

### نتیجه‌گیری و تطبیق یافته‌ها

در ایران احزاب در مراحل اول توسعه قرار دارند و در ارتباط با توسعه سیاسی معنا می‌یابند.

<sup>۱</sup> . گام‌های پنج‌ساله توسعه ملی، تارنمای نشریه پژوهشی تحلیلی اجتماع و توسعه، قابل دسترسی در آدرس

<http://etmag.ir/index.php>

<sup>۲</sup> . گام‌های پنج‌ساله توسعه ملی، تارنمای نشریه پژوهشی تحلیلی اجتماع و توسعه، قابل دسترسی در آدرس

<http://etmag.ir/index.php>

- قبل از انقلاب نظام حکومتی سلطنتی بوده و نتوانست نظام مشارکت سیاسی حزبی را نهادینه کند، احزاب در ایران برای دستیابی به قدرت تلاش می‌کنند. احزاب ایرانی هیچ کدام در امر مشارکت سابقه محلی‌گرایی، یا شهرگرایی و حتی استان‌گرایی ندارند. بعد از انقلاب نیز وضعیت همین گونه بوده و احزاب در میزان مشارکت سیاسی افراد جامعه در انتخابات تاثیرگذار بوده‌اند اما در امر توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی کارآیی و اثربخشی نداشتند.
- هر دو برنامه اول عمرانی قبل از انقلاب و توسعه بعد از انقلاب ناموفق بودند و برنامه دوم در هر دو نظام در بخش عمرانی و اقتصادی موفق بود و در برنامه سوم قبل و بعد از انقلاب در راستای اهداف برنامه بوده و موفق ارزیابی شده و در نظام سیاسی قبل انقلاب برنامه چهارم نسبت به سایر برنامه‌ها موفقیت بیشتری داشت به طوری که موجبات رشد اقتصادی را فراهم کرد اما برنامه چهارم بعد انقلاب نسبت به برنامه‌های دیگر موفقیت کمتری داشت و در حد میانگین به اهدافش رسید، اما برنامه پنجم قبل از انقلاب به علت نوسانات قیمت جهانی نفت موجب شد رشد اقتصادی ایران اثربخشی و کارآیی را در حد مطلوب نشان نداد و افزایش قیمت‌ها و تورم را شاهد بود و بعد از انقلاب نیز نسبت به برنامه چهارم موفقیتش بیشتر ارزیابی شده است. در این دوره نیز نوسان قیمت نفت به مفهوم کاهش قیمت نفت و تحریم‌های آمریکا عامل مهم بوده است.
- این ادعا که فرآیند توسعه اقتصادی و تحزب (توسعه سیاسی) در ایران پیش و پس از انقلاب اسلامی به صورت تطبیقی با هم رابطه معنادار دارند، قابل قبول نیست. زیرا همانطور که تحقیقات انجام شده و سیر تاریخی شکل‌گیری احزاب نشان می‌دهد، لازم است پیش از هر چیز حمایت از تضارب آرا، چرخش قدرت میان نخبگان، کمک به شکل‌گیری نهادهای مدنی، فراهم آوردن بستر فعالیت مطبوعات آزاد و ایجاد شرایط لازم نقد و گفتگو در جامعه قانونی شود و روش‌های اجرایی قانونی آن معلوم گردد.

### منابع

- آبراهیمیان، (۱۳۸۷)، ایران بین دو انقلاب، گل محمدی، تهران: نشر نی.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۸)، مبانی سیاست، تهران: انتشارات توس
- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱)، مرامنامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب سیاسی ایران، تهران، نشر تاریخ ایران.



## 79.....بررسی تطبیقی رابطه حزب با توسعه اقتصادی

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸)، *علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی*  
آلموند، گابریل و دیگران، (۱۳۷۷)، *چارجویی برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه: طیب، علیرضا، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتیامور حزبی.*

ایوبی، حجت الله (۱۳۸۸) حزب سیاسی در فرانسه: مهمان ناخوانده ولی بسیار گرامی،: اطلاعات سیاسی اقتصادی ۱۳۸۸ شماره ۲۶۲ حوزه‌های تخصصی علوم سیاسی مطالعات منطقه ای منطقه اتحادیه اروپا و اروپای شرقی بخارایی زاده سیدمهدی (۱۳۹۷) جایگاه احزاب در کشورهای توسعه یافته، نشریه قانون یار، اطلاعات شماره: بهار ۱۳۹۷ دوره ۲، شماره ۵؛ از صفحه ۲۷۷ تا صفحه ۲۹۴.

بدیع، برتران، (۱۳۷۶)، *توسعه سیاسی، ترجمه: نقیب زاده، احمد، تهران: قومی.*  
بشیریه، حسین، (۱۳۸۶)، *عقل در سیاست سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه شناسی و توسعه سیاسی، تهران: نگاه معاصر.*  
التجایی، ابراهیم (۱۳۹۵) تحلیلی از اقدامات نهادی- اقتصادی دولت طی چهار دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ ه.ش، دولت پژوهی سال دوم بهار ۱۳۹۵ شماره ۵

تمی، کامران، (۱۳۹۲) احزاب سیاسی و ثبات سیاسی: تأملی در تاریخ حزب ایران، پنجمین همایش بین المللی تحولات جدید ایران و جهان

جاسبی، عبدالله، (۱۳۸۹)، احزاب سیاسی و نظام های حزبی، تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی.  
حاتمی عباس (۱۳۹۴) پوپولیسم و کورپوراتیسم در پهلوی دوم: ابزارهایی نرم برای یک اقتدارگرایی سخت؛ جستارهای سیاسی معاصر سال ششم تابستان ۱۳۹۴ شماره ۲ (پیاپی ۱۶)

حسین عباسی نسب، نگاهی به ۱۰ برنامه توسعه در ایران، ۲۳ تارنمای تحلیلی آفتاب، آذر ۱۳۹۲. هفت دهه برنامه ریزی توسعه در ایران»، روزنامه ی اطلاعات، تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۹۲

دوتوکویل (۱۳۷۸) تحلیل دموکراسی در آمریکا، ترجمه رحمت الله مراغه‌ای، تهران: زوار  
دولت آبادی، هادی و غلامی، محمد تقی، ۱۳۹۸، *مفهوم شناسی نام های احزاب سیاسی از خلال سیر تقابل جناح های راست و چپ در جمهوری پنجم فرانسه،،،، سال انتشار: ۱۳۹۸ محل انتشار: فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره: ۱۲، شماره: ۴۵*

دوورژه، موریس (۱۳۵۲)، *احزاب سیاسی، ترجمه: علوی، رضا، تهران: انتشارات مؤسسه عالی علوم سیاسی*  
راش، مایکل (۱۳۸۸)، *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.*

زهیری، علیرضا، (۱۳۷۹)، *عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، تهران: دفتر نشر و پخش معارف.*  
زیباکلام، صادق و مرتضی مقتدایی، (1393)، «احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات»، *فصل نامه تخصصی علوم سیاسی، زمستان، شماره ۲۹*

طیرانی، بهروز، احزاب سیاسی ایران، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۸۲.  
عالم، عبدالرحمن، (۱۳۸۴)، *بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.*

۸۰..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هفدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

فوزی، یحیی (۱۳۸۴) تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، ج ۱، تهران، عروج قاسمی، مصطفی؛ ۱۳۸۵: ۱۳۲-۱۱۲): نگاهی به فعالیت احزاب در آمریکا؛ دوفصلنامه انسان پژوهی دینی، دوره ۳، شماره ۱۰ پاییز و زمستان ۱۳۸۵ صفحه ۱۱۱-۱۳۲).

کاتبی، حسینقلی (بی تا) *آذربایجان و وحدت ملی ایران*، تبریز: بی نا.

کاتوزیان، همایون (۱۳۷۲)؛ مصدق و نبرد قدرت، ترجمه: احمدتدین، ص ۱۵۱

کریمی، مله، علی (۱۳۷۵)، *چهل سال جبهه ملی*، ص ۴۵، مجله پانزده خرداد، شماره ۲۱.

کریمی، سحر، ۱۳۹۴: بررسی وضعیت عمومی کشور سوئیس، ماهنامه پژوهشی ملل، دوره اول شماره سوم اسفند ماه ۱۳۹۴

کیندل، برگر و چارلز پ؛ توسعه اقتصادی (۱۳۵۱)، رضا صدوقی، رشت، مدرسه عالی مدیریت گیلان، ۱۳۵۱، ص ۷. لمپتون، ا.ک.س. (۱۳۷۷)، مالک و زارع در ایران، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی فرهنگی. لیپست، مارتین. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی سیاسی*. ترجمه: س، ر، ابوالحسنی. تهران: انتشارات توس. چاپ اول.

محمدی نژاد، حسن (۱۳۵۵)، *احزاب سیاسی*، تهران: انتشارات امیر کبیر

مدیر شانه چی، محسن (بی تا)، *احزاب سیاسی ایران*، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.

مرتجعی، حجت (۱۳۷۷)، *جناح‌های سیاسی در ایران امروز*، تهران: انتشارات نقش و نگار

مروری بر برنامه‌های توسعه پیش و پس از انقلاب، نشریه‌ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۵-۱۷۶، به نقل از عباسی، ۱۳۹۷: از متن تا اجرای برنامه‌های توسعه پیش از انقلاب، سایت سیاست روز)

معین، محمدحسن، (۱۳۷۷) *فرهنگ معین*،

موسی‌زاده، رضا؛ سازمان‌های بین‌المللی، تهران، میزان، ۱۳۸۸، چاپ دهم، ص ۲۴۶ و ۲۴۸

میر خلیلی، سید حسین (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان درآمدی بر نقش احزاب در ادوار مختلف قانونگذاری جمهوری

اسلامی ایران، فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش شماره ۱۸ تابستان ۱۳۹۳:

نیک خواه قمصری، نرگس (۱۳۹۳) گفت‌مان جنسیت از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی؛ مجله ژرفا پژوه سال اول پاییز

۱۳۹۳ شماره ۱

واینر، مایرون و سموئل هانتینگتون، (۱۳۷۹) *درک توسعه سیاسی*، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران:

انتشارات پژوهشکده مطالعه راهبردی.

یوسفی، محمد قلی؛ استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی، تهران، نی، ۱۳۸۸، ص ۲۷-۳۴.

یوسفی، ولی الله، (۱۳۵۱)، *احزاب سیاسی*، چاپ دوم، تهران: نشر ساحل.

سازمان برنامه و بودجه ایران. تهران، ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)

Barkan, S.E. (1999), «Race, Issue Engagement and Political Participation», *Race and Society*, 1 (1): 63-76.

Bayandor, 'The Shah, the Islamic Revolution and the United States', 94-96.

## 81.....بررسی تطبیقی رابطه حزب با توسعه اقتصادی

- Charles Issawi(1985) The Iranian Economy 1925-1975. in: George Lenczowski: Iran under the Pahlavis. P. 129
- Frances Bostock and Geoffrey Jones: Planning and Power in Iran, Ebtehaj and Economic Development under the Shah, London, 1989
- Gholam Reza Afkhami: The Life and Times of the Shah, University of California Press, 2009, Chapter 14, Development and Dreams,
- Huntington.S & J.M Nelson (1976), Political Participation in Developing Countries Cambridge, Harvard University Press.
- Bayandor's. Daryiush researches toward a new book on the coup argue plausibly that the role of the secret services was rather less significant than previously thought and that of the clergy and their bazaari supporters was rather more significant.
- Mc Clurg. S. D (2001), Social Networks and Political Participation, Internet: Google Site.